

Messenger of God and the strategic management of the cultural challenges of disbelief and polytheism

Hamid Valian¹ | Ali Bayat²

(DOI): [10.22034/skh.2023.16754.1445](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16754.1445)

Abstract

Original Article

P 63 -94

Islam emerged as a religion in the cultural container of the Arab people's ignorance; A culture that was not based on the foundations of reason, knowledge, spiritual and moral values and virtues, but was based on prejudices, objectionable values, ignorance, stupidity, unrestrainedness, superstitions and delusions, it is obvious that contradictions, conflicts and deep and all-round challenges would emerge between the teachings of the emerging religion of Islam and the culture of the Arab Ignorance period on three levels of beliefs, moral values and behaviors. This research analytically investigates the problem that the Messenger of God strategically managed the challenges that arose with the culture of disbelief and polytheism at the three levels mentioned by adopting what methods? The result is that the Messenger of God dealt with the strategic management of challenges from among the four methods of cultural confrontation, composition, denial, signature, and correction and it provided the ground for the publication and perpetuation of Islamic culture in the text of Arab Ignorance culture and the intellectual geometry of human culture in history. It left a legacy, model and an efficient method for cultural confrontation with the foundations and manifestations of Ignorance culture in the following ages. Considering the divine position of Quran Majid and its revelation in the heart of the events and transformations of early Islam, the Nahj al-Balagha of Imam Ali as a living witness and historical books such as the Prophet's Life and Tabaqat al-Kubra are the main sources of research.

Keywords: cultural challenges, managing the cultural challenges of the Messenger of God, culture of disbelief and polytheism, methods of confronting the Messenger of God.

1- Instructor of the Department of Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Iran, PO Box 3697-19395. Email: h.valian@pnu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of History and Civilization, University of Tehran, Iran.
abayat@ut.ac.ir.

Received: 2023/08/14 | Accepted: 2022/12/09



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

رسول خدا (ص) و مدیریت راهبردی چالش های فرهنگی کفر و شرک زمانه

حمید ولیان (نویسنده مسئول) ^۱ | علی بیات ^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2023.16754.1445](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16754.1445)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۹۴/۶۳
اسلام به مثابه دین در ظرف فرهنگی جاهلی قوم عرب ظهور کرد؛ فرهنگی که نه بر مبنای و بنیان های عقل، معرفت و ارزش ها و فضایل معنوی و اخلاقی که بر تعصبات، ارزش های ناپسند چون نادانی، سفاهت، بی بند و باری، خرافات و موهومات استوار بود، بدیهی است که بین تعالیم دین نو ظهور اسلام با فرهنگ دوره جاهلی عرب در سه سطح باورها، ارزش های اخلاقی و رفتارها، تضادها، تعارض ها و چالش های عمیق و همه جانبه ای پدید آید.

این پژوهش به روش تحلیلی به بررسی این مسئله پرداخته که رسول خدا (ص) چالش های پدید آمده در مواجهه با فرهنگ کفر و شرک در سه سطح یاد شده را با اتخاذ چه روش هایی مدیریت راهبردی کرد؟ نتیجه اینکه رسول خدا (ص) از میان چهار روش مواجهه فرهنگی؛ انشایی، انکاری، امضایی و اصلاحی، از سه روش انشایی، انکاری و اصلاحی به مدیریت راهبردی چالش ها پرداخت و زمینه را برای نشر و ماندگاری فرهنگ اسلامی در متن فرهنگ جاهلی عرب و هندسه فکری فرهنگ بشری در تاریخ فراهم ساخت. آنحضرت الگو و روشی کارآمد برای مواجهه فرهنگی با مبانی و مظاهر فرهنگ جاهلی در اعصار و امصار بعد از خود برجای گذاشت.

قرآن مجید با توجه به جایگاه الهی این کتاب و نزولش در بطن حوادث و تحولات صدر اسلام، نهج البلاغه از امام علی (ع) به عنوان شاهد زنده و کتب تاریخی مثل سیره نبوی و طبقات الکبری، منابع اصلی پژوهش هستند.

واژگان کلیدی: چالش های فرهنگی، مدیریت چالش های فرهنگی رسول خدا (ص)، فرهنگ کفر و شرک، روش های مواجهه رسول خدا (ص).

۱ - مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران ن، ایران. h.valian@pnu.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. abayat@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸



۱- کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه:

فرهنگ مجموعه ای درهم تنیده است که نه تنها وجوه معنوی، فکری و اخلاقی زندگی انسان و جوامع بشری را در بر می گیرد که مرحله پیشرفت جوامع بشری پایه و اساس و پشتوانه تمدن است، بنابراین بر تمدن تقدّم ذاتی دارد. به همین دلیل دین اسلام نیز در آغاز ظهور یعنی دوره سیزده سال مکی ماهیت فرهنگی داشت و پس آن در دوره ده سال مدنی پس از هجرت، نظام تمدنی آن یعنی ارکان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی اش شکل گرفت. به عبارت دقیق تر فرهنگ و آموزه های اسلامی برآمده از وحی در ابعاد باورها، اعتقادات، ارزش های اخلاقی و احکام عملی و نیز بنا به سنت و سیره و مرجعیت و مدیریت علمی - عملی رسول خدا (ص) طی بیست و سه سال دوره رسالت تبلیغ شد. آن حضرت بنابر آن آموزه ها به تهذیب و پالایش و تعلیم جامعه و مردمان عصر و نسل خود پرداخت. با توجه به زمان بر و تدریجی بودن تغییرات و تحولات فرهنگی نمی توان از تغییر و تحول دفعی فرهنگ ریشه دار جاهلی عرب سخن گفت، بنابراین بررسی مدیریت فرهنگی رسول خدا (ص) را جز مواردی که راه کاری و تاکتیکی بود و بنا به مقتضیات و ضرورت های تاریخی صورت می گرفت باید راهبردی دید، به این معنی که بر مبانی، اصول، روش ها، برنامه ها، اهداف و کلان مدیریتی آن حضرت در بازه زمانی بیست و سه سال رسالت آن حضرت توجه و تکیه کرد. گفتنی است که قرآن مجید با توجه به جایگاه الهی این کتاب و نزولش در بطن حوادث و تحولات صدر اسلام، نهج البلاغه از امام علی (ع) به عنوان شاهد زنده و کتب تاریخی مثل سیره نبوی و طبقات الکبری، منابع اصلی پژوهش می باشند.

قرآن مجید در چهارآیه (آل عمران: ۱۵۴؛ مائده: ۵۰؛ احزاب: ۳۳؛ فتح: ۲۶) از دوره تاریخی عرب پیش از اسلام، تعبیر به جاهلیت کرده است. دوره ای که از روشنایی معنویت و معرفت، علم و ارزش های پسندیده بهره چندانی نداشت. امام علی (ع) وضعیت اسفبار فرهنگی عرب پیش از اسلام را چنین به تصویر کشیده است: خداوند پیامبرش را زمانی مبعوث ساخت که مردم در غرقاب گناه و نادانی فرو رفته و درسرگردانی به سر می بردند. افسار هلاکت آنها را می کشید و پرده های گمراهی چهره عقلشان را پوشیده و برجان و دلشان قفل زده شده بود (نهج البلاغه، خ: ۱۹۱).

نکته حائز اهمیت اینکه؛ براساس سنت الهی، پیامبران معمولاً زمانی مبعوث شدند که بشریت و لاقل محیط اجتماعی ظهور آنان بر لبه پرتگاه سقوط قرار داشته و آنان سبب نجات و اصلاح اجتماع

خود شدند «شما در پرتگاه سقوط در آتش بودید که خداوند (به وسیله رسول مکرم) شما را از آن نجات داد» (آل عمران (۳): ۱۰۳).

ضرورت رویکرد مطالعه فرهنگی در مورد زندگانی و اقدامات رسول خدا (ص) این است که سیره آن حضرت از آغاز با نگاه غزوه نگاری و بعد هم غالباً از منظر سیاسی و یا کلامی مورد توجه سیره نگاران قرار گرفته است، حال آنکه اسلام ذاتاً دینی فرهنگی و در ظهور، گسترش، پویایی و ماندگاری اش نیز فرهنگی بوده است. در ضمن تاریخ بشر، گورستان فرهنگ های بزرگی است که پایان فاجعه بار آنها بدان سبب بود که نتوانستند در برابر موانع و عوامل گمراه کننده و چالش های دشوار واکنش بخردانه داشته باشند، اما در اسلام به عنوان دین کامل و رسول خدا (ص) به عنوان خاتم انبیاء و الگوی انسان کامل، مبانی و اصول و روش های ثابت، پویا و پایا برای پاسخگویی به مسائل و مواجهه با چالش های پیش رو بیان و تبیین شده است.

ضرورت پژوهش

پس از دوره نبوی جوامع اسلامی و خصوصاً جامعه ما پس از انقلاب اسلامی بیش از هر زمانی نیاز به شناخت فرهنگ اسلامی و به تبع آن الگوگیری از سیره فرهنگی رسول خدا (ص) به عنوان «أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱(۳۳)) در مواجهه با چالش های فرهنگی دارد، تا در علم و عمل، متناسب با مقتضیات هر دوره، فرهنگ اصیل و غنی اسلام را تعریف و عینیت و تحقق تاریخی بخشد. سیره و مدیریت فرهنگی رسول خدا (ص) به عنوان معیار ارزیابی فرهنگ اسلامی رایج در جوامع اسلامی و نیز در چالش با فرهنگ غربی غالب بر ذهن و زندگی انسان در جهان امروز باید غالب باشد تا هم فرهنگ اصیل اسلام که در بسیاری از موارد از فرهنگ مسلمانان که رنگ ملی و نژادی به خود گرفته است باز شناخته شود و هم اینکه مسلمانان هویت فرهنگی خود را از آموزه های مندرج در قرآن و بنا بر سنت و سیره آن حضرت اخذ کنند.

۱-۲. مسئله، فرضیه و مفاهیم اساسی پژوهش

مسئله اصلی پژوهش این است که رسول خدا (ص) با چه روش هایی، چالش های فرهنگی بین فرهنگ نو پدید اسلام با فرهنگ دیرپای کفر و شرک زمانه، در سه سطح باورها، ارزش های اخلاقی و رفتارها را مدیریت راهبردی کردند؟

فرضیه اصلی پژوهش این است که رسول خدا (ص) با چهار روش: انشاء، امضاء، انکار و

اصلاح چالش فرهنگی بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ دوره جاهلی را مدیریت راهبردی کرد و در عین حال بنا به مقتضیات و ضرورت‌های زمانی و مکانی جغرافیای تاریخی جزیره العرب به مدیریت چالش‌های عصر خود می‌پرداختند.

نوآوری پژوهش: رویکرد فرهنگی بنا به هدف کشف روش‌های مدیریتی فرهنگی رسول خدا (ص) در مواجهه با چالش‌های پدید آمده با فرهنگ جاهلی به عنوان سنجه تعامل یا تقابل، نوآوری پژوهش است.

مفاهیم محوری و اصلی پژوهش:

فرهنگ: مجموعه‌ای به هم پیوسته از ارزش‌ها، باورها و هنجارها را گویند (گیدنز، ۱۳۷۷، ۳۶) و به مانند روح بر پیکره کردار و رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها سیطره دارد.

مدیریت: توانمندی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و به کارگیری کارآمد و اثر بخش منابع مادی و انسانی با بسیج امکانات، براساس هدف‌های از پیش تعیین شده گفته می‌شود (کونتز، ۱۳۸۰، ۲۱). منظور از مدیریت در این پژوهش، روش‌های مواجهه کلان فرهنگی رسول خدا (ص) در چالش با ناهنجاریهای فرهنگی جاهلی است.

چالش: وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار را گویند که مواجهه با آن، کوششی سخت و تعیین کننده را ایجاد می‌کند و به معنای دغدغه، بحران، مشکل، معضل و ... می‌باشد (قوام، ۱۳۹۷، ۷).

مواجهه در لغت به معنای رودرویی، روبرویی، مقابله (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴ / ۲۱۷۲۶) و در اصطلاح تعبیر مواجهه فرهنگی را استتاله و متشابه شدن یک گروه از طریق جذب انفعالی را گویند (ابراکرمی، ۱۳۷۰).

در مورد اقدامات رسول خدا (ص) تحقیقات زیادی صورت گرفت از جمله؛ ۱- سیره صحیح پیامبر اعظم (ص) از مرتضی عاملی ۲- محمد پیامبر و سیاستمدار از مونتگمری وات ۳- ساز و کارهای اجتماعی پیامبر (ص) در ایجاد تحول فرهنگی مدینه از فاطمه جان احمدی ۴- ابزارها و شیوه‌های فرهنگی، ارتباطی پیامبر اعظم (ص) از جبارلوی شبستری ۵- پیامبر اسلام و شیوه گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی از نجف لکزایی ۶- پیامبر (ص) و یهود حجاز توسط مصطفی صادقی کاشانی، هرچند به موضوع و مساله چالش‌های فرهنگی و روش‌های مواجهه فرهنگی آن حضرت به وجه خاص نپرداخته‌اند.

۳-۱. قلمرو زمانی و مکانی پژوهش

دوره بیست و سه سال رسالت، قلمرو زمانی و جزیره العرب با محوریت مکه و بعد مدینه قلمرو مکانی پژوهش است.

رسول خدا (ص) و مدیریت چالش‌ها

انسان چهار دسته نیازمندی پایدار دارد که چهار نهاد عمده را می‌سازند و مواجهه فرهنگی رسول خدا (ص) هم معطوف به آنها بود «نهاد خانواده»، «نهاد اقتصاد»، «نهاد مذهب» و «نهاد حکومت» (روسک، ۱۳۵۰، ۱۴۷)، چون رسول خدا (ص) دارای دوشان رسالتی؛ تلقی و ابلاغ وحی و تنفیذی و اجرایی بودند، از این رو با اتخاذ روش انشایی (تاسیسی) روش امضایی (تاییدی) روش اصلاحی (پیرایشی) و روش انکاری (نکوهشی) به مواجهه با فرهنگ زمانه پرداختند.

قبل از پرداختن بدنه تحقیق، بیان یک نکته حائز اهمیت است که چون دال اصلی این پژوهش، مدیریت چالش‌ها است، تحلیل و تبیین روش امضایی موضوعیت نداشته، به روش‌های انشایی، اصلاحی و انکاری می‌پردازیم، اما از باب نمونه در ارتباط با روش امضایی درحوزه باورها؛ رسول خدا (ص) با تأیید مبانی اعتقادی حنیف، محتوای دعوت خود را تا گستره یک پیشینه تاریخی - حضرت ابراهیم (ع) و عقیدتی محکم و ماندگار نزد اعراب امتداد بخشید: «بعثت بالحنيفية السهلة السمحة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۰۳/۲۲). روش مواجهه آن حضرت با باورمندان دین حنیف، امضایی و نوع تعامل، همگرایانه بود.

درحوزه اخلاقیات به سخاوت که فعلی ارجمند به حساب می‌آمد می‌توان اشاره کرد. اسلام این ویژگی اخلاقی را تأیید و رسول خدا (ص) در این کرامت اخلاقی سرآمد بود. آن حضرت بعد از جنگ هوازن (حنین)، تمام غنائم را به شکست خوردگان برگرداند (ابن سعد، همان، ۱۵۲/۲) که در آثار خاورشناسان هم انعکاس یافت (پورت، ۱۳۸۵، ۴-۵).

درحوزه رفتارها یکی از سنت‌های مثبت اعراب قبل از بعثت رسول خدا (ص) که مورد تأیید اسلام هم قرار گرفت، سنت حلف بود. مصداق بارز امضاء این سنت در اسلام، بعد از صلح حدیبیه است که قبیله بنی خزاعه با مسلمانان هم پیمان شدند (ابن هشام، ۱۳۶۰، ۳۵/۳؛ طبری، ۱۳۶۲، ۶۳/۲).

۱-۴ حوزه باورها

الف (روش انشایی

۱- اثبات توحید: مهمترین و بزرگترین مانع و چالشی که رسول خدا (ص) درنهادینه کردن اصلی ترین آموزه اسلام یعنی توحید با آن مواجهه گردید، کفر و پرستش انواع الهه ها یا شرک رایج میان قبایل عرب بود. گرچه قرآن مجید از عقیده ساکنان جزیره العرب به خالقیت الله چنین سخن می گوید: « ولئن سألتهم من خلق السموات و الارض و سخر الشمس والقمر ليقولن الله، ولئن سألتهم من نزل من السماء ماء فاحيا به الارض من بعد موتها ليقولن الله » (عنکبوت: ۶۱ و ۲۹ و ۶۳) و نام هایی نظیر عبدالله و عبدالرحمن نشان می دهد که اعراب عهد جاهلیت، الله را می شناختند و پرستش می کردند.

جوادعلی هم از قول اشمید محقق آلمانی می نویسد: تمام عقاید قبایل عرب درتحلیل نهایی برمحوراعتقاد به یک خالق بزرگ قدیم یا پدراکبر، یعنی «اله واحد» استواراست (جوادعلی، ۱۹۷۶، ۳۶/۱)، اما اعراب عصر جاهلی دو معبود برای خود انتخاب کرده بودند: یکی «الله» و دیگری بتها که آنها را واسطه بین خود و الله می دانستند و قرآن آن را نهی کرد (نحل: ۱۶): ۵۲-۵۱، از این رو آن حضرت تلاش کرد که دوری و بیزاری از بت پرستی را در قالب برائت همگانی از شرک به عنوان یک فرهنگ عمومی تبدیل کند (صادق زاده، ۱۳۹۵، ۱۲۱)، چون قرآن مجید مهمترین عامل وارستگی و تعالی یک جامعه را اعتقاد به حضور و شهادت خداوند در همه مراتب می داند: « ان الله على كل شيء شهيد » (حج: ۲۲): ۱۷ و درگام بعد، ضعف و سستی پایه های اعتقادی بت پرستی اعراب را با آیاتی از سوره عنکبوت تشریح کردند (عنکبوت: ۲۹): ۴۱.

ناسازگاری دو فرهنگ در حوزه مبدا شناسی این است که یکی انسان را به تسلیم در برابر واجب الوجودی دعوت می کند که قادر تواناست و دیگری آنقدر ناتوان و حقیر است که توانایی واکنشی در برابر ادرارکردن سگ به خود را ندارد (ابن سعد، ۱۴۵۲ق، ۲۱۹/۴)، بنابراین، بت پرستی حقیرترین و پوچ ترین پرستش اعراب بود، اما رسول خدا (ص) ضمن نفی آن کوشید که بر بنیان معرفت و شناخت اصل توحید یا یگانگی خداوند، اجتماعی فرهنگی - دینی حول محور توحید فراهم آورد: «وَاَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِير» (حج: ۲۲): ۷۸.

۲- بنای مسجد (نهادی چند منظوره): مسجد، مهم ترین پایگاهی بود که رسول خدا (ص) آن را به عنوان محل عبادت و مرکز مدیریت تمدنی اسلام بنا نهاد (جوان آراسته، ۱۳۸۶، ۱۴۱)،

به طوری که هر شهر و قریه ای که مسجدی در آن وجود داشت، جزو قلمرو فکری و فرهنگی و البته گاه سیاسی اسلام شمرده می شد (سرخوش، ۱۳۹۵، ۱). بنای مسجد ساخت یک سازه معمولی نبود، از این رو رسول خدا (ص) در بنای آن همچون کارگری ساده به کار می پرداخت (صابری، ۱۳۸۰، ۱/ ۲۶۴)؛ همچنانکه یهودیان درکنیسه و مسیحیان در کلیسا اجتماع می کردند. جامعه نوپای مسلمانان هم نیاز به مرکزی دینی برای اجتماع داشتند و رسول خدا (ص) (ص) مسجد را در مرکز شهر نوپدید مدینه به مثابه الگوی تمدنی اسلام بنا نهاد.

نخستین مسجدی که در اسلام ساخته شد، مسجد قبا بود (ابن هشام، ۱۳۶۰، ۱/ ۴۹۴)؛ ابن سعد، همان، ۱۸۸/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۲۶۴-۲۶۳). پس از آن مسجد النبی در یثرب بنا شد که نقش همه دستگاه ها و وزارتخانه ها را بدون کوچکترین هزینه ای برعهده داشت (ابن هشام، همان، ۱/ ۴۹۶).

در مدینه النبی مسجد کارکردهای متعددی داشت از جمله: پایگاه عبودیت و بندگی (توبه ۹)؛ ۱۰۸)، مقر عمومی دولت اسلامی، محل نگهداری و توزیع بیت المال و اسکان فقرا (منتظر القائم، ۱۳۸۷، ۷۹)، خدمات پزشکی (جوان آراسته، ۱۳۸۶، ۵)، مرکز تبلیغ و آموزش و تعلیمات دینی و نقش یک رسانه برای رساندن صدای رسول خدا (ص) به مردم را برعهده داشت. گوستاولوبون مسجد را مهم ترین مرکز زندگی واقعی برای اعراب - مرکز اجتماع، عبادت، تعلیم و تربیت و گاهی مسکن آنان - می داند (لوبون، ۱۳۷۲، ۵۳۱).

اگرچه خاورشناسانی که نگاه واگرایانه به اسلام دارند بر این گمان اند که: هدف اول از ساختمان مسجد، تهیه پناهگاهی برای خود محمد (ص) و خانواده او و تسهیل اداره امور بازرگانی بوده است (وات، ۱۳۴۴، ۱۱۷). خلاصه اینکه دستامد عصر مکی، تغییرات مهم فکری و انگیزشی بود که در مدینه با طراحی الگوی تغییر با تمسک به نهاد اجتماعی (مسجد) با کارکردهای عبادی و تعلیمی به بار نشست (جان احمدی، ۱۳۸۵، ۷).

۳- تغییر قبله : قبله رسمی مسلمانان تا سال دوم هجرت، بیت المقدس بود (ازرقی، ۱۳۶۸، ۳۱/۲)، گرچه کعبه مهم ترین جایگاه را برای انتخاب به عنوان قبله داشت (آل عمران ۹۶/۳)، اما نمازگزاران به سوی آن، شبهه احترام به بت ها را ایجاد می کرد (زمخشری، ۱۳۹۱، ۱/ ۲۰۰).

رشد و ترقی روز افزون مسلمانان، وحشت عجیبی در دل یهودیان ایجاد کرده بود، از این رو کارشکنی هایشان را آغاز کردند و می گفتند: محمد مدعی است که دین مستقلی دارد

در صورتی که به سمت قبله ما نماز می گزارد (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ۱۸۷۹). رسول خدا (ص) از این ادعای طعنه آمیز بسیار رنج می برد و مایل بود به سوی کعبه نماز بگزارد. پیام الهی به آن حضرت ابلاغ شد: نگاه معنا دار تو را به آسمان می بینیم، تو را به سوی قبله ای که رضایت تو را جلب کند، می گردانیم» (بقره (۲): ۱۴۴).

جدا سازی مسلمانان از مشرکان (زمخشری، همان، ۲۰۰)، آزمایش مسلمانان (بقره (۲): ۱۴۳)، زیرا آنان که ایمان خالص نداشتند، هم آوا با یهودیان، بهانه جویی می کردند (طبری، ۱۴۰۷ق، ۸/۲) و بازیابی هویت و استقلال مسلمانان (دروازه، ۱۳۸۹ق، ۱۵۹/۲) را می توان از علل تغییر قبله دانست، از این رو این اقدام انشایی رسول خدا (ص) (ص) به عنوان شعار اسلام، اتمام حجت بر مخالفین پیامبر (ص) و تنمیم نعمت بر مسلمانان برای همه اعصار گردید.

۴- ایجاد و پایه ریزی مبانی ایمانی: نهادینه کردن آموزه های ایمانی و اسلامی با ادامه حیات ارزش های جاهلی ممکن نبود. دغدغه اصلی رسول خدا (ص) (ص) تغییر مبانی و بنیادهای فکری و معرفتی بود که نظم و ساختار اجتماعی جزیره العرب بر آنها استوار بود (اسلم جوادی، ۱۳۸۵، ۸۷) از این رو مبانی فکری - ایمانی و ارزشی جدیدی را بر ملاک فضیلت تقوی و بر مبنای ایمان پایه ریزی کردند.

الف (مهاجرین: « مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رِسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ » (نساء (۴): ۱۰۰).

ب (انصار: کسانی مثل جابر بن عبدالله انصاری و ابویوب انصاری را با این پسوند ارجمند و شایسته می شناختند و یا می شناساندند. انصار در نبردهای صدر اسلام حضور چشم گیر داشتند (ابن هشام، همان، ۲/ ۳۶۳).

ج (مجاهدین « وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ... » (انفال (۸): ۷۴). نتیجه اینکه با این مجموعه ارزشی جدید، زمینه و شالوده تحوّل فرهنگی جزیره العرب و نهادینه کردن فرهنگ اسلام مهیا گردید .

ب) روش اصلاحی

اصلاح حج از سنت های ناپسند : یکی از معضلات پیش روی رسول خدا (ص) (ص) پیراستن مناسک حج از سنت های ناپسند اضافه شده از ناحیه مشرکین بود. اعراب اعم از بیابان گرد و ساکن در شهرها، توجه ویژه ای به خانه خدا داشته، آن را یادگاری از حضرت

ابراهیم(ع) می‌دانستند، از این رو هنگام فرا رسیدن موسم حج، با آیین‌های متفاوت به مکه می‌رفتند؛ برخی برای زیارت کعبه و ادای مناسک حج، برخی برای تجارت و امور دیگر(شریف، ۱۹۶۵م، ۱۴۶).

حج بر پایه آیین حنیف ابراهیم(ع) و مناسکی همچون طواف، وقوف، قربانی و اهللال استوار بود که بعدها مشرکان، چهره‌ای شرک آمیز به آن داده بودند(سهیلی، ۱۴۱۲، ۳۵۱/۱) و نزد بتها و خانه‌هایی مثل بیت اللات، بیت العزی، بیت مناة قربانی و طواف نیز انجام می‌شد(ابن کثیر، ۱۳۸۷ق، ۷۸/۱).

بنا بر تصریح قرآن مجید، حج جاهلی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود(انفال(۸): ۳۵) پس از اتمام مراسم حج، گرد هم می‌آمدند و به کارهای پدرانشان فخر می‌فروختند(ابن اسحاق، ۱۹۷۸، ۹۸/۱)، اما حج بزرگ‌ترین نیروی وحدت زای اسلام و مؤثرترین وسیله ارتباط عمومی مؤمنان در نابود کردن فواصل نژادی، رنگی و قومی است(حتی، ۱۳۶۶، ۱۷۵).

اسلام با اصل حج به عنوان سنت حضرت ابراهیم(ع) موافق، ولی با پیرایه‌ها و آداب ناپسند جعلی زیر از جانب مشرکین مخالفت کرد:

۱- وقوف

قریش بعد از آنکه زعامت کعبه را از چنگ خزاعه درآورد، برای خود امتیازاتی قائل شد از جمله، وقوف آن‌ها در مزدلفه نه در عرفه و می‌گفتند که ما اهل حرم هستیم، پس از حرم خارج نمی‌شویم(طریحی، ۱۴۱۴، ۶۴/۴) اما به علت ویژه‌خواهی غیرمتعارف قریش با مخالفت قرآن مواجه شد: از همان جا مردم روانه می‌شوند، شما نیز روانه شوید(بقره(۲۲): ۱۹۹)، از این رو رسول خدا(ص) این امتیازخواهی قریش را بی اساس دانست.

۲- آداب حمس

واژه حمس به معنی سخت گیر و غیور در امر دین است و الحمس لقب قریش بوده است(زبیدی، ۱۳۸۵ق، ۱۳۲/۴). آنان با استفاده از جهل اعراب و صبغه دینی بخشیدن به بعضی از امور، آن را ابزاری برای اهداف اقتصادی(یعقوبی، ۱۳۸۹، ۲۵۶/۱) و استمرار سیادت خود قرار داده بودند(سلیم الحوت، ۱۳۹۰، ۲۳۷) قوانینی را وضع و واجب کرده بودند، از جمله اینکه در ثیاب الحمس طواف کنند؛ مردان به همان صورتی که خداوند آنان را آفریده است و زنان محافظی تسمه

مانند (بریده بریده) بر خود می آویختند (ابن هشام، همان، ۱۲). رسول خدا (ص) عریان طواف کردن را تحریم کرد و فرمودند: هیچ کس خانه خدا را به صورت عریان طواف نکند (بخاری، همان، ۲۰۰/۲)، چون در اسلام احرام، افکندن لباس ظاهر که منشأ اشتباه و التباس است و پوشیدن جامه بی نشان و یک رنگ که نمایشگر ایمان و برائت از هر نوع دوگانگی است، می باشد (عادلی مقدم، ۱۳۸۸، ۶).

ج) روش انکاری

۱- **بت پرستی:** اگرچه بت پرستی اختصاص به اعراب عصر جاهلی نداشت و جوامع دیگر نیز به این معضل اعتقادی دچار بودند، اما جهل، خرافات و سماجت اعراب در پرستش بتان باعث شد تا جزیره العرب در بت پرستی شهره آفاق شود و در اذهان دیگر ملت ها این دو معرف همدیگر شوند، زیرا اعراب دیوانه وار شیفته پرستش بتان بودند که این خود در تضاد با مبانی اعتقادی اسلام بود. آخرین کار قبل از سفر و اولین کار بعد از سفر، مسح بت بود (یعقوبی، همان، ۲۱۵/۱). این باور جاهلانه و خرافی از نظر جامعه آماری بیشترین شمار جمعیتی اعراب را به خود اختصاص می داد، بنابراین تقابل اول رسول خدا (ص) را این طیف تشکیل می دادند.

بت های مورد پرستش در شبه جزیره عربستان به دو دسته تقسیم می شدند:

الف) بت های خانگی که هر شخصی مخصوص به خود داشت (کلبی، ۱۳۴۸، ۳۲).

ب) بت های قبیله ای که یک یا چند قبیله، همگی آن را می پرستیدند و در معابد نگهداری می شدند مثل: لات، عزی، مناه، هبل، بل (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ۴۵۶/۹).

۲- **نفی کهانت:** در جوامع بسته و ابتدایی، مانند عربستان قبل از اسلام که از علم و دانش خبری نبود، کاهنان از نادانی مردم استفاده کرده، مکانتی برای خود داشتند و داور، طبیب و حکم گذار نیز محسوب می شدند. در میان کاهنان، دو کاهن به نام های شق و سطح بیش از دیگران مشهور بودند (طبری، ۱/۱۳۶۲، ۹۱۱).

کهانت به دودلیل در حوزه باورها قابل بحث است؛ اول این که کلام و احکام کاهنان این تلقی را برای اعراب ایجاد می کرد که آنان با عالم غیب در ارتباط اند، پس نوعی اعتقاد راسخ به دنبال داشت. دوم اینکه چنین ایقانی باعث مشتبه شدن افکار اعراب در حوزه نبوت شناسی می شد. نفی این عارضه از ناحیه رسول خدا (ص) (ص) ضروری و حتمی بود، زیرا کار کاهنان جز گسترش نادانی جامعه بدوی جزیره العرب، ثمری دیگر نداشت.

۳- **مبارزه با خرافات:** بزرگترین سد در برابر پیشرفت اسلام، خرافات و پندارهای جاهلانه

بود، از این رو قرآن کریم در آیات گوناگون روحیات و عادات آن قوم جاهل را نفی کرده است (زخرف (۴۳): ۲۲-۲۴؛ بقره (۲): ۱۷۰-۱۷۱؛ مائده (۵): ۱۰۴؛ خصوصاً در سوره انعام (۶): ۱۵۲ و ۱۵۳ و رسول خدا (ص) (ص) هم با تمام قدرت کوشید آن را براندازد و فرمودند: "کل مأثرة فی الجاهلیة تحت قدمی" (ابن هشام، همان، ۴۱۲)

وقتی مردم گرفتن خورشید را نشانه‌ای از همدردی کیهان با غم آن حضرت برای از دست دادن پسرش تفسیر کردند، ایشان با لحنی قاطع به آنان گفتند: ماه و خورشید دو نشانه از نشانه‌های خداوند، برای مرگ یا زندگی کسی نمی‌گیرند (زرگری نژاد، ۱۳۸۴، ۵۵۲)، تفاوت مصلحت اندیش با صلاح اندیش و مصلح اجتماعی این است که اولی در این لحظات با سکوت، اتفاق را به نفع خود مصادره می‌کرد، ولی رسول خدا (ص) در عین سوگواری بودن اما از ارشاد و آگاهی مردم غافل نشدند و آنها را از باورهای خرافی بر حذر داشتند.

۴ - مبارزه با تقدیس انسان: قداست بخشی به انسان با هر درجه ای و در هر فرهنگی خطرناک خواهد بود که این معضل در فرهنگ جاهلی امری رایج و با فرهنگ اسلام همخوانی نداشت. اعراب بزرگان قوم را گرمی و حتی مقام کسانی مثل طفیل بن عمرو دوسی را تا مرحله پرستش بالا می بردند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ۱۳۷/۱۵).

نمونه دیگر زبیرقان بن بدر است که گروهی از قبایل عرب به عنوان حج به خانه او می رفتند (الجارم ۲۰۱۸، ۱۲۴). روش مواجه رسول خدا (ص) (ص) با این ایقان ناصواب، تحاشی و انکار بود و خود آن حضرت، اول بنده خدا و سپس رسول خدا (ص) معرفی شده است. به جز موارد بالا، نهی از تقدیس گیاهان (توت پرستی، نفی دهرگروی) (الجاثیه (۴۵): ۲۴) و نسخ پرستش پدیده های طبیعی مثل پرستش رعد و برق (ابن هشام، همان، ۶۷) را هم می توان نام برد.

۲-۲ حوزه ارزش های اخلاقی

اخلاق و قواعد اخلاقی فقط اعتبار دینی ندارد، اما نقش دین در پی ریزی نظام اخلاقی، نقشی اصلاح گرانه بوده است (جانی پور، ۱۳۹۴، ۲۷)، از این جهت نگاه قرآن به احکام و شریعت نگاهی حاکی از اخلاق مداری است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ...» (جمعه (۶۲): ۲).

رسول خدا (ص) هم غایت بعثت خویش را چنین معرفی نمود: «إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق» (غزالی مصری، ۱۳۹۷، ۱۶). از این رو اسلام فضیلت و کرامت انسان و نیز تنظیم

مناسبات اجتماعی را بر مبنای اخلاق نیکو استوار ساخت. با این مقدمه به مواجهه رسول خدا (ص) با رذایل اخلاقی اعراب قبل از اسلام می‌پردازیم:

الف) روش انشایی

در سیره نبوی گزاره‌های اخلاقی زیادی قابل استخراج است که در فرهنگ کفر و شرک نشانی از آنان نمی‌توان یافت، از جمله بها دادن به کودکان و اعتلای شخصیت آنان را می‌توان نام برد.

اسلام منزلت بخشی انسانی - اجتماعی و بها دادن به کودکان را از جمله مهم‌ترین حقوق آنها می‌داند، اما اعراب بدان بی‌اعتنا بودند، زیرا در فرهنگ جاهلی سن زیاد امتیاز به حساب می‌آمد و شیخوخیت نزد آنان امری محتوم به نظرمی رسید، از این جهت افراد کم سن و سال از شأن مناسب انسانی - اجتماعی برخوردار نبودند. می‌پنداشتند چون کودک پیکری کوچک‌تر از بزرگ سال دارد، شخصیت خود را هم کوچک می‌پندارد؛ حال آنکه اگر افراد در سنین پایین مورد توجه قرار گیرند، آن جامعه سریع‌تر مسیر تعالی را طی کرده و برای سلامت اخلاقی، هزینه کمتری پرداخت خواهد کرد.

انس نقل می‌کند: ما در حال بازی بودیم که پیامبر (ص) از کنار ما گذشت و گفت: «السلام علیکم یا صبیان» (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۱۸۳/۳). در سیره نظری آن حضرت هم هست که فرمودند: «پنج چیزند که تا زمان مرگ آنها را ترک نمی‌کنم ... سلام کردن به کودکان تا این رفتارهای پسندیده پس از من سنت شود» (صدوق، ۱۳۸۵، ق، ۵۴)، این درحالی بود که اشراف و بزرگان قبایل، این رفتارها را دون‌شان و منزلت خود می‌دانستند. این نوع برخورد غیر از اینکه قاعده صحیح تعامل با خرد سالان را آموزش می‌دهد، در اعتلای شخصیت آنان بسیار موثر است.

ج) روش اصلاحی

۱- اخلاق فردی

عفو و گذشت؛ در فرهنگ جاهلی انتقام‌گیری نه تنها مذموم که امری پسندیده بود، موضوعی که با آموزه‌های اسلام همخوانی ندارد، زیرا به مانند موریانه انسجام و وحدت جامعه را تهدید و در نهایت نابود می‌کند. لجاجت و کینه‌توزی مخصوص روح‌های حقیر است که اعراب قبل از اسلام به آن متّصف بودند. بسیاری از منازعات و جنگ‌های طولانی مدّت قبایل عرب قبل از اسلام، برآمده از کینه‌توزی آنان بود، اما آموزه‌های اسلامی مملو از عفو و چشم

پوشی است. رسول خدا (ص) (ص) در برابر شخصی که از وی طلب داشت و در گرفتن آن درشتی می کرد و صحابه درصدد تادیب وی برآمدند فرمود: «اورا وانهید، بگذارید صاحب حق، حرف خود را بزند (بخاری، همان، ۱۱۶/۳). ارزش این کار زمانی مضاعف جلوه می کند که بدانیم این گذشت و بخشندگی از ناحیه آن حضرت نه به عنوان یک شهروند معمولی، بلکه در زمان حاکمیت آن حضرت بر جامعه اسلامی اتفاق افتاد.

۲- اخلاق خانوادگی

نگرش مرد سالارانه در فرهنگ کفر و شرک باعث می شد که زنان و به خصوص دختران از مقام و منزلتی شایسته برخوردار نباشند، ولی رسول خدا (ص) (ص) جایگاه ویژه ای برای آنان قائل بود که برای نمونه به دو روایت اشاره می گردد:

الف) سفارش به مهرورزی با همسران «بهترین شما، بهترینتان با خانواده است و من بهترین شما با خانواده هستم. جز کریمان زنان را تکریم نکنند و جز انسان‌های پست، زنان را تحقیر نمایند» (بدران، ۱۴۰۷ق، ۷/ ۵۰).

ب) از سخنان رسول خدا (ص) (ص) است که فرمود: «فرزندان خود را بسیار ببوسید چرا که برای هرپوسه‌ای درجه‌ای در بهشت است و فاصله میان دو درجه پانصد سال است» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۲۰) عدم بوسیدن و محبت به کودکان در نزد پیامبر (ص) به حدی ناپسند بود که هنگامی که شخصی به نزد ایشان آمد و به پیامبر عرض کرد که هیچ یک از فرزندان را تاکنون نبوسیده است، ایشان او را از اهل آتش دانستند (طوسی، ۱۳۶۵، ۸/ ۱۱۳).

۳- اخلاق اجتماعی

الف) پرهیز از فخر فروشی و تکبر؛ غرور و خود برترینی در تضاد با ارزش های اسلامی از جمله روحیه برابری و مساوات است. رسول خدا (ص) (ص) در اوج قدرت به عنوان حاکم اسلامی نیز فروتنانه رفتار می کرد و بدون هیچ گونه تشریفات و هیمنه سازی با مردم نشست و برخاست داشت. مردی حضور رسول خدا (ص) (ص) رسید و از هیبت وی به لرزه افتاد. آن حضرت به او فرمودند: «آرام باش، من پادشاه نیستم، من پسر زنی از قریش هستم که گوشت خشکیده می خورد»

(طبرسی، ۱۳۹۴، ۱۶). ترسیم وضعیت اقتصادی خانواده از ناحیه آن حضرت، چند پیام داشت. اول اینکه من از طبقه فرا دست جامعه نیستم و برخاسته از متن و بطن جامعه هستم. دوم اینکه تمکّن مالی در اسلام امتیاز نیست و ملاک برتری به تقوا و پرهیزگاری است. سوم اینکه آن حضرت تعلّق قلبی خود را به طبقه فرودست جامعه به تصویر کشاند تا شهروندان جامعه اسلامی به هنگام مواجهه با متولیان و حاکمان، لکنت زبان پیدا نکنند.

ب) توجه ویژه به کار و کارگر؛ درجزیره العرب براساس فرهنگ جاهلی، جامعه کارگری فاقد منزلت اجتماعی بوده، به آنها بها داده نمی شد و بزرگان و اشراف عرب با نگاه اشرافیت اقتصادی برای آنان امتیازی قائل نبودند، اخلاق ناپسندی که از معضلات امروز جوامع اسلامی هم هست، اما رسول خدا (ص) به هنگام مصافحه با سعد انصاری از او پرسید: « چرا دست های تو این قدر زبر و خشن است؟! عرضه داشت این خشونت و زبری دستان من بر اثر کار با بیل و طناب است که به وسیله آن مخارج خود و خانواده ام را تأمین می کنم. رسول خدا (ص) (ص) دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد» (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ۲ / ۲۶۹). تکریم و تعظیم آن حضرت از مقام کارگر بیانگر این نکته است که در فرهنگ اسلامی، افراد و به خصوص سرپرست خانواده، برای رونق معیشت، رفاه و نیازمندی های خانواده خود باید بکوشد و در تمشیت امور خانواده، مسولیت پذیر باشد. جمله معروف و منتسب به آن حضرت «من لا معاش له، لا معاد له» را شهید مطهری چنین تبیین کردند: شکم گرسنه نه ایمان دارد، نه عشق دارد، نه اخلاق دارد، نه فلسفه دارد. معاش، اساس و زیر بناست (مطهری، ۱۳۹۹، ۱/ ۸۹).

۴- اخلاق سیاسی

الف) همراهی با آحاد مردم؛ وقتی مردم حاکمان را در کنار خود ببینند، انگیزه مضاعفی برای انجام امور پیدا خواهند کرد، زیرا همراهی درکنار راهبری و رهبری درتشدید روحیه آحاد جامعه بسیار موثر است، موضوعی که درجزیره العرب مرسوم نبود و اشراف با فرودستان فاصله بسیار معنی داری داشتند، اما سیره عملی رسول خدا (ص) همراهی با مردم بود. آن حضرت ابتدا خود دست به کار ساخت مسجد شد تا مسلمانان نیز ترغیب شوند (ابن هشام، همان، ۱۴۱/۲). این همراهی درمناسبت های دیگر از جمله در جنگ احزاب و حفر خندق هم ظهور و بروز یافت (ابن هشام، همان، ۳/ ۲۲۶؛ یعقوبی، همان، ۲/ ۵۰).

ب) آزاد گذاشتن مردم درانتقاد؛ سیره نویسان نمونه هایی از اعتراضات تند و گاه بی ادبانه

پاره‌ای از اصحاب را گزارش کرده‌اند که برخی تا مدّت‌ها درصدد تلافی این تندی و جبران بی‌ادبی خود بودند (ابن هشام، همان، ۳۳۱/۳؛ ابن اسحاق، همان، ۶۰۶/۲). اگرچه درآموزه های اسلامی رعایت ادب در گفتگوی دو طرفه به خصوص با متولیان امور جامعه توصیه شده است و این سفارش زمانی که یک طرف آن معصوم و به ویژه رسول خدا (ص) باشد، دو چندان خواهد بود (حجرات ۴۹: ۲)، اما سیره آن حضرت این بود که نقد دلسوزانه را می پذیرفت.

ج (همواره در دسترس مردم بودن؛ یکی از مهمترین دلایل همدلی و هم آوایی مردم با کارگزاران جامعه این است که آنان دست یافتنی باشند و رادع و مانعی در میان نباشد. عدی بن حاتم گوید: آن حضرت مرا به سوی خانه خود برد و هم چنان که در راه می‌رفتیم، پیرزنی سر راه او آمد و او را نگهداشت. به خدا سوگند! آن حضرت را دیدم زمانی دراز در آنجا ایستاد و درباره کار آن پیرزن با او صحبت کرد (ابن هشام، همان، ۵۸۰/۲).

۵- اخلاق معیشت

در هردوره ای مردم، سبک زندگی مسئولان را رصد می کنند و ساده زیستی متولیان امور، مقبولیت و محبوبیت آنان را بیشتر خواهد کرد. رسول خدا (ص) حتی در زمان حاکمیت بر دولت اسلامی، زندگی بدون تکلف و تشریفات داشت. زیراندازش قطعه حصیری بود و قوت غالبش، نان جوین و خرما و هرگز سه روز متوالی از نان گندم سیرنخورد (مسلم، ۱۳۶۱، باب مکارم اخلاق النبی).

ج) روش انکاری

۱- فخر فروشی؛ فخر فروشی هیچ تناسبی با آموزه های اسلامی ندارد: خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد (لقمان ۱۸): (۳۱).

رویارویی و مواجه رسول خدا (ص) با ناهنجاری اخلاقی تفاخر را به دو شیوه نظری و عملی می توان تقسیم کرد. از سخنان رسول خدا (ص) است که فرمود: «عربیت پدر کسی به شمار نمی رود و فقط زبان گفتار است، آن که عملش نتواند او را به جایی برساند، حسب و نسبش هم او را به جایی نخواهد رساند» (ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۶۲۵/۲). «ای گروه قریش؛ خون یعنی چه، نژاد یعنی چه، نسبت افتخارآمیز هرکس دین اوست، اصل و ریشه هرکس عبارت است از عقل، فهم و ادراک او، چه ریشه و اصل و نژادی بالاتر از عقل» (صاحبی، ۱۳۶۰، ۲۰) و جهت پرهیز عملی، حضرت حتی سراغ ضعیف ترین آدم ها را می گرفت. زن سیاه پوستی در مدینه کارهای مسجد را می کرد، از اینکه صحابه خبر مرگش را اطلاع ندادند ناراحت شد و سراغ قبر او رفت و بر او درود فرستاد (بخاری، همان،

(۱۳۳۷/۲).

۲- تعصّب: عصیّت یعنی اینکه مرد، خویشان خود را برای یاریش فرا بخواند، چه ظالم باشد و چه مظلوم و یاری کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ذیل عصب). وقتی در گرفتاری ها، برادرشان آنها را می خواند، دیگر از او دلیل و برهان نمی خواهند (جوادعلی، همان، ۴/۳۹۵). اگر چه جناب ابوطالب و بنی هاشم، چه مسلمان و چه کافر، به علت تعصّب، سختی های محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب را تحمّل و از جان رسول خدا (ص) (ص) حفاظت کردند (مرتضی العاملی، ۱۴۰۲ق، ۱/۱۸۱)، اما معمولاً این لفظ در مفهوم افراطی و مذموم آن به کار می رود (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۹/۱۱) زیرا این روحیه در حقیقت اوج خودبینی بود که در هویت قبیله متجلی شده (حتّی، همان، ۳۸) و چون در سلسله ارزش ها، مقام برتر داشت، عاملی مفسده انگیز می گردید (آیین وند، ۱۳۸۴، ۵).

مفسّران منشاء عصیّت جاهلی را تکبر و تبختر (طبرسی، ۱۳۸۰، ۹/۱۹) حمیّت جاهلی (طباطبائی، ۱۳۶۵، ۱۸/۲۸۹) و غرور و سرکشی می دانند (طنطاوی، ۱۳۵۰ق، ۱۲/۲۸۱) که هیچ ترادف و تناسبی با آموزه های اسلامی ندارد، از این رو مواجهه انکاری رسول خدا (ص) را به دنبال داشت.

۲-۳ حوزه رفتارها و احکام عملی

هویت فرهنگی یک جامعه بیشتر در هنجارهای اجتماعی جلوه می کند، پس آنها را می توان به عنوان استانداردهای رفتاری تعریف کرد، از این رو توجه به آنها هم مبین وضعیت فرهنگی جزیره العرب بوده و هم سهم و نقش رسول خدا (ص) و آموزه های اسلامی در تایید هنجارهای پسندیده و تصحیح ناهنجاری های اجتماعی را معلوم می کند.

الف) روش انشایی

برخی از اقدامات رسول خدا (ص) در حوزه مناسبات اجتماعی، ایجابی و لازمه گفتمان جدید بود که به مهم ترین آنها می پردازیم:

۱- عقد اخوت: از منظر اسلام جامعه موفق جامعه ای است که روحیه اخوت، برادری و مودّت در آن محقّق شده باشد، از این رو یکی از موفق ترین و کارآمدترین اقدامات رسول خدا (ص) برای تحقّق الفت فراگیر، پیمان اخوت یا برادری بود. برادری در قاموس عرب؛ برادری نسبی بر اساس پدر واحد، برادری بر اساس برادر خواندگی و برادری قومی بر اساس تعصّب قبیله ای تعریف شده بود (ابن منظور، همان، ۲۲/۱).

اختلافات فرهنگی و رفتاری، نداشتن شغل و منبع درآمد برای مهاجران و دلبستگی روحی و عاطفی به خانواده و وطن، در ایجاد این وضع نقش اساسی داشت (ابن هشام، همان، ۵۰۴/۱-۵۰۵). در ضمن اوسیان و خزرگیان با هم اختلاف داشتند و ادامه حیات دینی و سیاسی مسلمانان را با چالش روبرو می کرد، از این رو رسول خدا (ص) داهیهانی بین آنها پیمان برادری برقرار کرد و فرمود: «تأخوا فی الله اخوین اخوین» (ابن هشام، همان، ۵۰۵/۱). این اقدام مسئولیت آور و امری فردی و اختیاری بود که التزام مالی هم به همراه داشت (ابن کثیر، همان، ۳/ ۲۳۵-۲۴۳). از نظر قرآن کریم، اخوت؛ اصلاح امور مسلمانان (بقره ۲): ۱۲؛ حجرات (۴۹): ۱۰، توسعه برابری و برادری اجتماعی و اقتصادی (آل عمران ۱۰۳): ۳ و ایجاد اتفاق و اتحاد میان مسلمانان (انفال ۸): ۷۵) مورد نظر بود و از اخوت دینی به عنوان برترین و عمیق ترین مفهوم اجتماعی یاد می کند (بهرامی، ۱۳۸۰، ۳).

پیمان برادری هم به مانند دیگر اقدامات رسول خدا (ص) مورد توجه خاورشناسان قرار گرفت: این کوشش درحقیقت نوعی قانونگذاری جدید در روابط اجتماعی بود که روابط خونی را بی رنگ می کرد (آرمسترانگ، ۱۳۸۶، ۳۵۷). صاحب کتاب تاریخ عرب هم همین باور را دارد (حتی، همان، ۱۵۳).

نتیجه اینکه مفهوم برادری دینی در فرهنگ اسلامی یک امر عارضی و بازتاب صرف فرهنگ عرب جاهلی نبود و در شمار اصلی ترین راهکارهای تربیتی پیامبر (ص) محسوب می شده است (سیوطی، ۱۹۹۳م، ۶۱۷). آن حضرت فرهنگ «الاخوه فی نسب» را به فرهنگ «الاخوه فی الدین» تبدیل کرد: «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْفِئْتَيْنِ قُلُوبُهُمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال ۸): ۶۳).

۲- قانون اساسی (میثاق مدینه): تدوین قانون شهروندی دغدغه مصلحان بزرگ در طول تاریخ بود، موضوعی که به علت بدوی بودن، اعراب با آن بیگانه بودند. رسول خدا (ص) (پس از استقرار در مدینه، اساسنامه ای را میان مهاجرین، مردم مدینه و یهودیان آن شهر به صورت متن مکتوب در آوردند برپایه این نظامنامه، مسلمانان و یهودیان از شأن مساوی برخوردار شدند (لینگز، ۱۳۹۱، ۲۳۴)، دین یهودیان رسمیت یافت و اموال آنان نیز محترم شمرده شد (ابن اسحاق، همان، ۳۴۸/۲) و در ازای وفاداری سیاسی به مسلمانان، حق استقلال فرهنگی و مذهبی به آنان داده شد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ۸۰).

این اقدام رسول خدا (ص) در جهت سیاست تنش زدایی، بسیار حکیمانه و هوشمندانه بود.

یهودیان هم با امضای سریع پیمان نامه نشان دادند که منافع آن را درک کرده اند (طباره، ۱۹۶۶ م، ۱۸). البته شاید بیشتر به جهت شرایط مثبتی که از سوی اهل یثرب برای رسول خدا (ص) (ص) پیش آمد، گزینه دیگری مقابل روی خود ندیدند.

فلسفه ایجابی این میثاق نامه چنین بود که سه گروه که دشمن اسلام بودند و دشواری سه بعدی را برای دولت اسلامی ایجاد می کردند، ساکنان مدینه به شمار می آمدند: اعراب به استثنای اوس و خزرج (الکتانی، ۱۴۱۶ ق، ۳۸۵/۱)، منافقین و یهودیان، از این رو تدوین استراتژی هوشیاری در برابر تهدیدهای قطعی قریش، از ضرورت های اولیه دولت اسلامی بود، اما به رغم تمامی تلاش های رسول خدا (ص) و مواجهه همگرایانه با یهودیان مدینه، دیری نپایید که آنان به رفتارهای واگرایانه با پیامبر (ص) و مسلمانان دست زدند (آل عمران (۳): ۶۹ و ۷۲)؛ (مائده (۵): ۶۴).

به نوشته آربری: تدوین صحیفه عمومی مدینه، اساسی ترین سازه ی قدرت سیاسی، مبنایی بود تا میان اقوام و قبایل ساکن در مرکز حکومت، همبستگی، احساس شهروندی و امنیت اجتماعی به وجود آورد (آربری، ۱۳۸۰، ۳۹) و شیمل؛ قانون اساسی مدینه را نمونه نهادهای دموکراتیک نوین می داند و تحسین می کند (شیمل، ۱۳۸۷، ۹۲).

در مدینه النبی، معیار عضویت در جامعه اسلامی یکی از دو چیز بود؛ مسلمان بودن یا پیمان پذیر بودن. بدین ترتیب امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ استقلال جامعه دینی خود، جامعه سیاسی واحدی را به وجود آوردند (دانش پژوه، ۱۳۸۱، ۲۷) و تمامی ساکنان مدینه ذیل واژه ی امت در کنار هم به سر می بردند: « اَنْهُمْ امه واحده من دون النَّاسِ » (ابن هشام، همان، ۱/ ۴۸۰).

۳- تشکیل دولت متمرکز: اعراب حجاز بدوی بودند، بنابراین ذکر حکومت و سازمان اداری به معنای دقیق کلمه در مورد آنان درست نیست، زیرا بدوی بودن و داشتن نظام حکومتی دو امر متناقض اند (سعیدی، ۱۳۸۲، ۵)، موضوعی که با آموزه های اسلامی که تاکید زیاد بر انسجام و وحدت ذیل یک حکومت یا دولت دارد منافات داشت، درضمن اتکا و اعتماد به خود در انسان بدوی چنان ریشه دوانده بود که هیچگاه به مقام "انسان اجتماعی" نمی رسید (حتی، همان، ۳۶).

مکه مهمترین و تاثیرگذارترین سکونت گاه جزیره العرب، هیچوقت به مرحله یک شهر به معنای پیشرفته نرسیده بود (سعیدی، همان، ۴). در مدینه هم یکی از دلایل مهم فراخوانی آنان از رسول خدا (ص) شکل دهی حکومت و امید به ایجاد صلح پایدار بود (وات، ۱۳۴۴ ش، ۱۱۱) ملوکی در دولت های جنوبی جزیره العرب و امیرنشین های مجاور شمالی حکومت می کردند، اما همگی این ها به

درجات متفاوتی نسبت به جزیره العرب امری حاشیه ای محسوب می شدند (لویس، ۱۳۸۷، ۱۰۴)، بنابراین تنها جغرافیای سیاسی که عرب آن را می شناخت قبیله بود و بیرون از آن برای او حکم سرزمین غیر را داشت (زرگری نژاد، ۱۳۸۴، ۱۶۱).

یگانه مرکز مهم نهاد سیاسی مکه، دارالندوه بود که به محکمه ای می مانست که عقد ازدواج ها، پیمان صلح ها، اعلان جنگ ها و ... در آن انجام می گرفت (طبری، ۱۳۶۲، ۱۰۹۶/۳-۱۰۹۹)، از این رو اسلام با تشویق به مدنیت و یکجانشینی و نهی از تعزب و بدوی گرای (حزعاملی، ۱۴۱۴ق، ۳۱۸/۱۵) اعراب بادیه نشین را به دلیل دوری از احکام و حدود الهی مذمت کرد (توبه: ۹۷).

ولایت سیاسی رسول خدا (ص) براساس نصّ قرآن مجید «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (أحزاب (۳۳): ۶) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء: ۴)، ریشه درآموزه های وحیانی دارد و مقبولیت عامه و محبوبیت حداکثری از امتیازات دولت اسلامی پیامبر (ص) محسوب می شد.

مؤلف کتاب تاریخ گسترش اسلام می نویسد: دکتربین پیامبر (ص) از آن قبایل کوچک و بزرگی که پیوسته درحال جنگ بودند، ملت واحدی به وجود آورد و نظام قبیله ای برای نخستین بار تحت الشعاع احساس مذهبی قرار گرفت (آرنولد، ۱۳۸۵، ۹۸) آن حضرت سه جامعه ایل، شهری و روستایی را ممزوج کرد و در نتیجه آن، سازوکار دو جانبه بین شهر و روستا برقرارشد (کورزین، ۱۳۸۶، ۲۱). (لوبون، ۱۳۷۲، ۱۳۸)، (ارنست، ۱۳۹۱، ۱۱۱)، (پورت، ۱۳۸۵، ۷۷۹) و (براون، ۱۳۳۷، ۳۶) همین دیدگاه را دارند.

اگرچه برخی با نگاه واگرایانه معتقدند آن حضرت در ابتدا مانند پیامبران عبری فقط قصد تبلیغ و دعوت به خدای واحد را داشت، ولی حوادث او را طوری به جلو راند که در مدینه مجبور به نوعی جبهه گیری سیاسی گردید (آرمسترانگ، ۱۳۸۶، ۲۲۲) غافل از اینکه احکام و قوانین اسلام منحصر در عبادت نیست و ماهیت این احکام بگونه ای است که اجرا و اعمال آنها تنها در سایه حکومت میسر خواهد بود.

نتیجه اینکه؛ دولت اسلامی در چهارحوزه، نظم ویژه ای ایجاد کرد که عبارتند از؛ نظم فکری فرهنگی، نظم مالی، نظم کیفری و نظم اجتماعی که درمیان قبایل پراکنده عرب سابقه نداشت. به جز موارد بالا، نهاد تعلیم و تربیت و اهتمام ویژه به علم آموزی زنان (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ۴۷۸/۵). دستگاه قضا و عوامل اجرایی آن برای محافظت حقوق افراد و

جامعه (اعراف ۲۶: ۷)؛ مائده (۵) ۴۸ و ۴۹؛ شوری (۴۲: ۱۵)، چون در جامعه عرب قبل از اسلام از نهادهای رسیدگی به جرایم خبری نبود. در حوزه اقتصاد نیز با پیشنهاد؛ خمس (انفال ۴۱: ۸)، زکات (ماوردی، ۲۰۱۶، ۱۵۲) قرض الحسنه (بقره ۲: ۲۴۵) و انفاق (بقره ۲: ۲۶۱) طرحی نو در انداخت.

ب) روش اصلاحی

۱- تحوّل جایگاه زن: درگفتمان جاهلیت و در شقوق مختلف آن بر مبنای (واقع گرایی) زنان براساس کار ویژه‌ای زیست بادیه فهم شده، موقعیت نازلی داشتند و طفیلی وجود مردان بودند. زنان کارکرد داشتند، نه ارزش ذاتی، اما درگفتمان نبوی ارزش ذاتی یافتند و از حیث وجودی با مردان برابر شدند (پیرمردیان، ۱۳۹۴، ش ۱۱).

پیامد غلط چنان نگرشی باعث می شد که در فرهنگ جاهلی، زن را در شمار حیوانات قرارداده و او را جزء لوازم و اثاث زندگی می شمردند (سبحانی، ۱۳۷۲، ۴۸/۱) احوال زنان مانند صغار و مجانین تحت ولایت مرد بود و سرنوشت وی را تمایلات مردان تعیین می کرد (نوری، ۱۳۶۰، ۶۰۳) مرد از حق فروش و قتل (تکویر ۸۱: ۹) و ضرب و شتم زن بهره مند بود (ایازی، ۱۳۸۰، ۱۸۹-۱۹۹) انواع نکاح های غیر معقول از قبیل؛ ازدواج با محارم (نساء ۴: ۲۵)، الاستیضاح؛ وادار ساختن زنان به بار دارشدن از مردان دیگر به امید ایجاد فرزندی با خصوصیات ظاهری خاص (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۴/۸)، رهط، بدلی؛ نکاح همزمان عده‌ای از مردان با یک زن (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ۲۷۰) مقت؛ ازدواج فرزندان با نامادری پس از مرگ پدر (نساء ۴: ۱۹)، شغار یا نکاح فارغ از مهریه (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ۲۰۸/۴) نکاح سفاح و خدن؛ رفاقت از روی شهوت (نساء ۴: ۲۵) و طلاق های گوناگون مانند؛ ایلاء (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ۱۴۹/۲)ظهار (احزاب ۴: ۳۳)؛ مجادله (۵۸: ۳-۲) مرسوم بود. همچنین عده طولانی مدّت که زنان را یک سال از ازدواج محروم می کردند (طباطبایی، ۱۳۶۵، ۳۴۲/۲)، محروم بودن زنان از ارث (جوادعلی، همان، ۵۳۵) به ارث برده شدن آنان (حسنى، ۱۴۰۱، ۶۷/۱) در امتداد این اعوجاج ها بود.

رسول خدا (ص) قوانین ازدواج را به کلی دگرگون ساخت و برای این کار ابتدا تمامی نکاح های زشت و بی شرمانه جاهلیت را تحریم کرد و پس از آن، ازدواج را منحصر به دو نوع، دائم و موقت کرد.

اسلام تعلّق نگرفتن مهریه به زن (نوری، ۱۳۶۰، ۶۰۴) را تصحیح کرد: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ

نَحْلَةَ» (نساء(۴): ۴)؛ «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء(۴): ۳۲) و درخصوص عده زنان برای حفظ سلامت حسب و نسب از خطر اختلاط، چهار ماه و ده روز را به عنوان عده تعیین کرد؛ «وَالَّذِينَ يُوقُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره(۲): ۲۳۴).

آن حضرت در عصری که مردم فرزند دختر داشتن را ننگ و عار می دانستند و از شنیدن خبر صاحب دختر شدن چهره درهم می کشیدند، از دخترش به بهترین وجه یاد می کرد، او را احترام می گذاشت و لقب ام اییها داد(أبوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ۲۹).

جایگاهی که رسول خدا (ص) برای خدیجه (س) قائل بود، بیعت با زنان به همراه مردان (ممتحنه(۶۰): ۱۲) حضور زنان در پیمان عقبه دوم(ابن هشام، همان، ۲/۸۰) حضور در بیعت حدیبیه (ابن سعد، ۱۴۵۲ق، ۵۱۴/۸) و بیعت در غدیر خم(مجلسی، همان، ۱۱۲/ ۹۴) همگی نشان دهنده بهبود جایگاه و منزلت زن درگفتمان نبوی دارد.

آندره میکال می گوید "اسلام، زنان را مورد حمایت قرارداد. قرآن، ضوابط وراثتی مرسوم تا آن زمان را به نفع زن دگرگون ساخت(میکال، ۱/۱۳۸۱، ۸۵). موننگمری وات هم همین دیدگاه را دارد(وات، ۱۹۵۶، ۲۲۹).

۲-اصلاح نظام برده داری : از نمونه های ناسازگاری دوفرهنگ، برده داری بود. برای عرب به علّت محدودیت منابع، چیزهای مورد معامله کم بود، ازاین رو یکی از راه های درآمد زایی، خرید و فروش انسان بود که حکم کالای زنده را داشت(پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، ۵۴۸)، اما اسلام برده داری و اسارت انسان را به مثابه یک بیماری اجتماعی نگر بسته و به مبارزه با آن به پا خاسته است، چون انسان دارای دو نوع کرامت ذاتی(اسراء(۱۷): ۷۰) و کرامت اکتسابی(حجرات(۴۹): ۱۳) است و به علت خلافت الهی(بقره(۲): ۳۰)، درک اسرار آفرینش(بقره(۲): ۳۱)، مسجود فرشتگان(بقره(۲): ۳۴)، حامل بارامانت الهی(احزاب(۳۳): ۷۲) و داشتن روح خدایی(حجر(۱۵): ۲۹) عظمت دارد.

روش مواجهه رسول خدا (ص) با این عارضه اجتماعی، اصلاحی بود: «شرالناس من باع الناس» (حرعاملی ۱۴۱۴ق، باب ۱۹، حدیث ۱) و درمواجهه با جنبه عملی موضوع، به قاعده فروش املاک همراه با بردگان پایان داد(پورت، ۱۳۸۵، ۱۳۷). مقامات برجسته ای از فرماندهی لشکر گرفته تا پست های حساس دیگر به بردگان آزاد شده سپرده شد در پیمان برادری بین حمزه عموی رسول خدا (ص) با زید غلام آزاد شده آن حضرت، عقد برادری بسته شد(ابن سعد، همان، ۳/۹) و فرمانده سپاه اسلام در سربده های متعدّد از جمله سربده های قرده(ابن هشام، همان، ۵۰/۲) وادی

القری (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۷۷) و ... بود. بلال حبشی را مؤذن ویژه خود منصوب نمودند (ابن سعد، همان، ۱۷۶/۳) و از « سلمان فارسی » تجلیل کردند (ابن سعد، همان، ۲۳۱/۷). این نشان از برداشته شدن فاصله موهوم طبقاتی داشت.

۳- اصل قراردادادن مسئولیت شخصی به جای مسئولیت جمعی

در جزیره العرب قبل از اسلام، قبیله به جای شخص مسئولیت داشت و امکان داشت که کردار و عمل یک تن، قبیله ای را به چالش بکشاند و قبیله ناچار بود تاوان رفتارهای او را بپردازد و این سبب جزمیت و تعصب قبیله ای بود که در قرآن کریم به حمیت جاهلی تعبیر شده است (الفتح ۴۸: ۲۶).

اعراب پیوندهای خویشاوندی را پایه اجتماعات دینی می شمردند و انجام وظایف خویشاوندی، بخشی از دین به شمار می رفت (سلیم الحوت، همان، ۱۵۹) اما اسلام، مسئولیت شخصی را مطرح ساخت و آن را اساس پاسخگویی برای رفتارهای فردی دانست: « كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً (مَدَّ ۳۸: ۷۴) و درآیه دیگر می فرماید: « هیچ کس بارگناه دیگری را بردوش نکشد و اگر گرانباری، دیگری را به حمل بار خود فرا خواند، هر چند خویشاوند او باشد، از حمل آن، سرباز زند» (فاطر، ۳۵: ۱۸) از منظر اسلام اولاً و بالذات هر فرد، مسول اعمال خویش است و در ثانی با توجه به اهمیت موضوع نظارت اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر، معاف از مسولیت نیست « فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ » (غاشیه ۸۸: ۲۱) از این رو مواجهه پیرایشی رسول خدا (ص) را به دنبال داشت. اسلام فرهنگ تبتی را هم اصلاح کرد و پسرخواندگی، رابطه ای اخلاقی عاطفی خوانده شد نه رابطه حقوقی و خونی (احزاب ۳۳: ۵۴).

ج) روش انکاری

در مواجهه با فرهنگ جاهلیت، برخی از سیاست ها و استراتژی های رسول خدا (ص) سلبی بود که در این بخش به مهمترین آنها اشاره می گردد:

۱- **مقابله با فرزند کشی:** یکی از زشت ترین اعمالی که باعث شد اعراب قبل از اسلام درازدهان به جاهلیت معروف گردند، زنده به گورکردن دختران بود که در قرآن مجید هم با این سوال « بای ذنب قتلت » (تکویر ۸۱: ۹) مورد مواخذه قرار گرفتند.

با مراجعه به تفاسیر، داستان های زیادی از زنده به گورشدن دختران خردسال می توان پیدا کرد (طبری، ۱۴۰۷، ۹۱/۳۰: آلوسی، ۱۳۸۸، ۵۴/۳) در یکی از موارد، قیس بن عاصم تمیمی

در محضر رسول خدا (ص) (ص) گفت: من در زمان جاهلیت هشت دخترم را زنده به گور کردم (قرطبی، ۱۳۶۸، ۱۹/۲۳۳). این سنت در قبایل بنی تمیم، بنی اسد، بنی قیس، هذیل، بکر بن وائل و کنده رواج بیشتری داشت (طبرسی، ۱۳۸۰، ۱۶/۷۷۵).

بر اساس آیات قرآن مجید دو نوع فرزند کشی در نزد اعراب رایج بود؛ قتل فرزندان به طور مطلق (انعام (۶): ۱۳۷) و زنده به گور کردن دختران به شکل خاص (نحل (۱۶): ۵۹-۵۸) رسول خدا (ص) بوسیله آیات الهی قرآن مجید، آنان را به شدت از این کار نهی کردند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» (اسرا (۱۷): ۳۱) چون این کار سفاهت آنان را به تصویر می کشید: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۴۰) (۶) از این رو روش رسول خدا (ص) در برخورد با این رسم غیر انسانی، نفی به همراه مذمت و سرزنش بود.

ویل دورانت می گوید: رسم زنده به گور کردن دختران با فرمان قرآن از میان برداشته شد و احکام قرآن برای همیشه ضامن سعادت زن است (دورانت، همان، ۱/۲۳۱).

۲- نفی تقلید کورکورانه: تضاد دیگر، تقلید کورکورانه و بدون فکر از آباء و اجداد بود، به طوری که وقتی امر جدیدی برای آن ها مطرح می شد که مخالف سنن آباء و اجدادی آن ها بود، از آن دوری می کردند و می گفتند: فقط آنچه را که از پدرانمان به ما رسیده، پیروی می کنیم (بقره (۲): ۱۷۰؛ مائده (۵): ۱۰۴؛ اعراف (۷): ۷۰؛ لقمان (۳۱): ۲۱). قانون آن ها این بود که «ما پدران خود را برآئینی یافتیم و به آنان اقتدا می کنیم» (زخرف (۴۳): ۲۳). پیروی از آنان را امر و دستور خداوند می دانستند. آنان تا اندازه ای بر تقلید کورکورانه از پدران خود پای بند بودند که حتی به تبعیت از آنها به فحشا می پرداختند (اعراف (۷): ۲۸).

تقلید در مقابل تعقل قرار دارد، از این جهت رسول خدا (ص) به عنوان بزرگترین مصلح اجتماعی با شیوه انکار به مواجهه با آن برخاستند و اندیشیدن را به جای تقلید و سطحی نگری نهادینه کردند.

۳- مقابله با انحرافات جنسی: فحشا فرزندان حرامزاده و مشکوک و مردّد میان چند پدر، علم انساب را علمی مهم در میان شان ساخته بود تا نسبت افراد را مشخص کند (ضیف، ۱۳۷۷، ۵۷)، از این رو اسلام رفتار جنسی خارج از چارچوب را منع کرده به عنوان تجاوز از حدود الهی شناخته می شود: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ...» (معارج (۷۰): ۲۹-۳۰).

روش رسول خدا (ص) در مواجهه با این انحراف اخلاقی، نفی و انکار بود. آن حضرت که خود اسوه بی بدیلی دریای بندگی به اصول اخلاقی حتی در عنفوان جوانی و سالها قبل از رسالتشان بود، با ترویج ازدواج و مقدّس شمردن کانون خانواده، برآن بود تا جامعه را از زشتی ها و پلشتی های اخلاقی پاک سازد.

به جز موارد بالا؛ نهی تدریجی شرب خمر (مائده (۵): ۹۰)، نفی عمل نَسِیئ (بقره (۲): ۲۱۷) و اقدامات سلبی رسول خدا (ص) در حوزه اقتصادی؛ نهی از رشوه خواری (بقره (۲): ۱۸۸) منع ربا (بقره (۲): ۲۷۸ و ۲۷۹) مخالفت با احتکار (همزه (۱۰۴): ۱ و ۲) و تحریم زراندوزی (توبه (۹): ۳۴) را می توان نام برد.

نتیجه گیری

نتیجه کلی پژوهش اینکه: مدیریت و سیاست گذاری های راهبردی فرهنگی رسول خدا (ص) نه تنها شالوده و بنیان فرهنگ اسلامی در بستر جامعه و فرهنگ جاهلی عرب پیش از اسلام را پی ریزی کرد که به دلیل «ولایت تاریخی»، طرح نویی از فرهنگ برای حیات فرهنگی بر مبنای معیار حق و باطل را در انداخت که آغازگر فصلی نو در سیر تاریخ فرهنگ بشری گردید.

آثار و پیامدهای پایدار و ماندگار مدیریت راهبردی فرهنگی آن حضرت به الگویی فرهنگی برای مسلمانان در تشکیل امت اسلامی بدل گردید. بنابراین دست آوردهای این پژوهش فهرست وار عبارتند از:

- ۱- حوزه مدیریت فرهنگی رسول خدا (ص) فقط تغییر و تحول فرهنگی شهر مدینه به عنوان کانون فرهنگ نوپدید اسلامی منبعث از وحی و نیز فرهنگ جاهلی قوم عرب ساکن در جزیره العرب نبود، بلکه حوزه شمول آن به وسعت جغرافیای انسانی درگستره جهانی بود، زیرا مبنای تعالیم و آموزه های فرهنگ اسلام بر ذاتیات مشترک انسانی استوار بود.
- ۲- مدیریت فرهنگی رسول خدا (ص) در سه حوزه باورها، ارزش ها و احکام عملی مورد بررسی قرار گرفت و ذیل هریک، موارد و مصادیقی از چالش ها به اجمال تمام بررسی شد.
- ۳- روش های مدیریت فرهنگی رسول خدا (ص) در سه حوزه یاد شده نوآوری خاص پژوهش است و ضروری است چهار روش انشایی، انکاری، اصلاحی و انکاری کاربرست پژوهش های بعدی قرار گیرد.
- ۴- در بررسی مدیریت فرهنگی رسول خدا (ص) ضمن ارائه شواهد و مستندات تاریخی، کوشش نگارندگان این بود که به اهداف راهبردی در مدیریت چالش ها هم نگاهی گذرا افکنده شود، هر چند که کشف این مهم نیاز به تاملات بیشتر و پژوهش های بعدی دارد.

منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه

۱- ابرکرامی، نیکلاس و همکاران (۱۳۷۰)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه ی حسن پویان، نشر چاپخش.

۲- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۳- ابن اسحاق، محمد بن یسار (۱۹۷۸م)، السیر والمغازی، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.

۴- ابن حنبل، أبوعبد الله أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۱۶ق)، مسند احمد، محقق: أحمد محمد شاکر، ناشر: دارالحديث - القاهرة الطبعة.

۵- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۵۲ق)، الطبقات الکبری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۸۷ق)، البداية، السيرة النبویه، بیروت: دارالقلم.

۷- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: نشر دارصادر.

۸- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۰)، سیره النبی، ترجمه رفیع الدین اسحق قاضی ابرقوه، تهران: انتشارات خوارزمی.

۹- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۸۵)، مقاتل الطالبیین، قم: مکتب الحیدریه.

۱۰- ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، محقق: جمیل، صدقی محمد، بیروت: دارالفکر.

۱۱- آربری، آرتور جان و همکاران (۱۳۸۰)، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، ناشر: امیرکبیر.

۱۲- آرمسترانگ، کارن (۱۳۸۶)، زندگی نامه پیامبر اسلام، ترجمه کیانوش حشمتی، انتشارات حکمت.

۱۳- ارنست، کارل (۱۳۹۱)، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه نورایی، انتشارات حقیقت.

۱۴- آرنولد، توماس (۱۳۸۵)، تاریخ گسترش اسلام، مترجم، ابوالفضل عزتی انتشارات: دانشگاه تهران.

۱۵- ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۳۶۸)، اخبارمکه، بیروت، ناشر: دارالاندلس.

- ۱۶- اسپوزیتو، جان.ال(۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی، مترجم: محسن مدیرشانه‌چی، ناشر: باز.
- ۱۷- آلوسی، محمد(۱۳۸۸)، بلوغ العرب فی معرفه احوال العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۸- آیینہ وند، صادق(۱۳۸۴)، تاریخ اسلام، قم: نشر معارف.
- ۱۹- بخاری، محمد بن اسماعیل(۱۴۰۱ ق)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
- ۲۰- بدران، عبدالقادر (۱۴۰۷ ه.ق)، تهذیب تاریخ دمشق، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۲۱- براون، ادوارد(۱۳۳۷)، تاریخ طب اسلام، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۲- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
- ۲۳- پورت، جان دیون(۱۳۸۵)، عذر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، موسسه فرهنگی رایانه کوثر.
- ۲۴- الجارم، محمدنعمان(۲۰۱۸)، ادیان العرب فی الجاهلیه، القاہرہ: مکتبۃ الثقافۃ الدینیۃ.
- ۲۵- حتّی، فیلیپ خلیل(۱۳۶۶)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات آگاه.
- ۲۶- حسنی، علی اکبر(۱۴۰۱)، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۷- حوفی، احمد محمد(۱۹۴۹)، الحیاة العربیة من الشعر الجاهلی، بیروت: دارالعلم.
- ۲۸- دروزه، محمد عزت(۱۳۸۹ ق)، التفسیرالحديث، قاهرة: دار إحياء الكتب العربیة.
- ۲۹- دورانت، ویل(۱۳۹۱)، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۳۰- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۱- روسک، جوزف(۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران، موسسه عالی حسابداری.
- ۳۲- الزبیدی، محمد(۱۳۸۵ ق)، تاج العروس، بیروت: دارالهدایه.
- ۳۳- زرگری نژاد، غلامحسین(۱۳۸۴)، تاریخ صدر اسلام، عصرنبوت، تهران: سمت.
- ۳۴- زمخشری، جارالله(۱۳۹۱)، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مترجم مسعود انصاری، ناشر: ققنوس.

- ۳۶- سبحانی، جعفر (۱۳۷۲)، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات.
- ۳۶- سلیم الحوت، محمود (۱۳۹۰)، باورها و اسطوره های عرب پیش از اسلام، منیژه عبداللهی و حسین کیانی، تهران: نشر علم.
- ۳۷- سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۴۱۲)، الروض الانف، لبنان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۸- سیوطی، جلال لال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۹۹۳ م)، الدر المنثور، به کوشش مازن مبارک، بیروت.
- ۳۹- شیمل، آن ماری (۱۳۸۷)، محمد رسول خدا (ص)، ترجمه حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۰- صابری، حسین (۱۳۸۰)، خاتم پیامبران (ص) مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴۱- طباره، عفیف عبدالفتاح (۱۳۵۳)، یهود از نظر قرآن، ترجمه علی منتظمی، تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- ۴۲- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۵)، المیزان فی تفسیر قرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۳- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۱۶ ق)، الاحتجاج، قم: اسوه.
- ۴۴- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۴)، مکارم الاخلاق، مترجم: احمد احمدزاده ناشر: نورالزهرا.
- ۴۵- طبرسی، فضل بن حس (۱۳۸۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴۶- طبری، محمد جریر (بن ۱۴۰۷ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- ۴۷- طبری، محمد جریر (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
- ۴۸- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۴ ق)، مجمع البحرین، قم: مؤسسه البعثة.
- ۴۹- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المكتبة المرتضویة.
- ۵۰- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ۵۱- علی، جواد (۱۹۷۶)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۵۲- غزالی مصری، محمد (۱۳۸۴ق)، اخلاق اسلامی، القاهرة، نشر: دارالکتب الحدی.
- ۵۳- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۸)، الجامع الاحکام القرآن، ناشر: ناصر خسرو.
- ۵۴- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹)، چالش های توسعه سیاسی، تهران: قومس.
- ۵۵- کلبی، هشام بن محمد (۱۳۴۸)، الاصنام، تحقیق، احمد زکی پاشا، تهران: نشر تابان.
- ۵۶- کورزین، فیلیس (۱۳۸۶)، امپراتوری اسلامی، تهران: ققنوس.
- ۵۷- کوتنز، هارولد و همکاران (۱۳۸۰)، اصول مدیریت، ترجمه محمد هادی چمران، موسسه انتشارات علمی.
- ۵۸- گیدنز، انتونی (۱۳۷۷)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی.
- ۵۹- لوبون، گوستاو لوبون (۱۳۷۲)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۶۰- لوئیس، برنارد (۱۳۸۷)، زبان سیاسی اسلام، ترجمه غلامرضا بهروز لک، ناشر: موسسه بوستان کتاب.
- ۶۱- لینگز، مارتین (۱۳۹۱)، محمد برپایه کهن ترین منابع، ترجمه سعید تهرانی نسب، انتشارات: حکمت.
- ۶۲- ماوردی، أبی الحسن علی بن محمد بن حبیب (۲۰۱۶)، الأحکام السلطانیة و الولايات الدینیة، بیروت: دارالفکر.
- ۶۳- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۶۴- مرتضی العاملی، جعفر (۱۴۰۲ق)، الصحیح من السیرة النبی الاعظم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۶۵- مسلم (۱۳۶۱)، صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۶۶- مطهری، مرتضی (۱۳۹۹)، فلسفه تاریخ، ناشر صدرا.
- ۶۷- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۶۸- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۷)، تاریخ اسلام (از آغاز تا سال چهل هجری) ناشر: دانشگاه اصفهان.

- ۶۹- میکمل، آندره با همکاری هانری لوران (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: انتشارات سمت.
- ۷۰- نصر، سیدحسین (۱۳۷۳)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- ۷۱- نوری، یحیی (۱۳۶۰)، عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران: بنیاد علمی اسلامی مدرسه شهید.
- ۷۲- وات، مونتگمری (۱۳۴۴)، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی زاده، کتابفروشی اسلامیه.
- ۷۳- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقالات :
- ۱- اسلم جوادی، محمد (۱۳۸۵)، پیامبراعظم (ص) و نظام قشربندی اجتماعی: نشریه ادیان و عرفان معرفت، شماره ۱۱۰، ص ۷۸.
- ۲- اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۱)، «جاهلیت»، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۹، تهیه و تدوین: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب.
- ۳- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۶)، کارکرد مسجد در حکومت نبوی: حکومت اسلامی، شماره ۴۳.
- ۴- بهرامی، روح الله (۱۳۸۰)، پیمان مؤاخات، مجله تاریخ اسلام، شمار ۸.
- ۵- پیرمردیان، مصطفی و همکاران (۱۳۹۴)، مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام: تاریخ نو، شماره ۱۱.
- ۶- جانی پور، محمد (۱۳۹۴)، نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی: تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دوازدهم، شماره ۲، پیاپی ۲۶، صفحه ۵۵-۲۷.
- ۷- سرخوش، جواد (۱۳۹۵)، بررسی احکام، کارکردها و جایگاه مسجد، کنگره ملی نماز و سلامت روان.
- سعیدی، پرویز (۱۳۸۲)، نظام اداری و مالی در حکومت نبوی (ص) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳۰.

- ۸- صادق زاده، هادی (۱۳۹۵)، کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان، فصلنامه میقات، دوره ۲۵، شماره ۹۸، ص ۱۱۸ تا ۱۴۹.
- ۹- عادل مقدّم، محمد علی (۱۳۸۸)، انحرافات مناسک حج در عصر جاهلیت، فصلنامه میقات، دوره ۲، شماره ۶۸.